

نتایج انتخابات یونان

مصاحبه ناسو فولادی با تراب ثالث

ع.ف. - در انتخابات پارلمانی ۲۵ ژانویه یونان برای اولین بار طی ۴۰ سال گذشته دو حزب اصلی دموکراسی نوین (راست محافظه کار) و پاسوک (سوسیالیست میانه) نتوانستند به قدرت برسند و حزب سیریزا (حزب ائتلافی چپ رادیکال) توانست اکثریت نسبی آرا را به دست آورد. پرسش اولم در باره ارزیابی شما از نتایج این انتخابات است اما قبل از پرداختن به معنای مشخص سیاسی این رویداد و پیامدهای آن بهتر است برخی شاخص‌ها و ویژگی‌های بحران یونان را یادآوری کنیم، کشوری با رقم بدهی بیش از ۳۰۰ میلیارد یورو (که بیشترین سهم آن متعلق به آلمان است) و جمعیتی که بخش بزرگی از آن زیر خط فقر زندگی می‌کند، با این حال همچنان عرصه‌ایست برای پیاده کردن انواع نسخه‌های وحشتناک ریاضت اقتصادی که پیامدی به جز فقر افزون و افزایش آمارهای هشدار دهنده در زمینه وضعیت بهداشت و درمان، نرخ خودکشی و سایر مشکلات اجتماعی و نیز بیکارسازی گسترده نداشته است. آیا می‌توان این وضعیت را به حساب اشتباهات مدیریتی و برنامه‌ریزی‌های غلط اقتصادی و عدم انضباط مالی یونان (آنگونه که رایج است) گذاشت؟ یا بایستی به دنبال علل ژرف و بنیادی دیگری برای توضیح این مسئله بود؟ و پاسخ سیریزا به این مشکلات چه خواهد بود؟

ت.ث. - در باره نتایج انتخابات البته باید گفت که بسیار چشم گیرند. ابعاد چرخش در تناسب قوای سیاسی در یونان بیش از آن بود که انتظار می‌رفت. در حالیکه حزب میانه رو سوسیالیست، پاسوک، با کاهش سهم آرای عمومی از ۴۴٪ در سال ۲۰۰۹ به ۵٪ (و انشعاب طرفداران پاندرئو نزدیک به ۳٪) عملاً محو شد، سیریزا، "ائتلاف چپ رادیکال"، با اخذ بیش از ۳۵٪ آرا بزرگترین سهم از کرسی‌های مجلس را بدست آورد (۲ کرسی کمتر از اکثریت مطلق). حزب محافظه کار حاکم، "دمکراسی نو"، به رهبری آنتونیوس ساماراس، با اختلاف ۸٫۵٪ آرا در رتبه دوم قرار گرفت. و این علیرغم اینکه کم و بیش همه سران بورژوازی اروپایی و رسانه‌های جمعی سرمایه داری با حس خطر از دست دادن نخست وزیر محبوب خود به پشتیبانی او شتافته بودند.

در رابطه با سایر احزاب، روی هم جریانات راست افراطی درصدی پایین تر و جریانات چپ رادیکال درصدی بالاتر از آن چه پیش بینی می‌شد، کسب کردند. به نظر می‌رسد، رشد جنبش چپ پیشرفت برق آسای جریانات راست افراطی را متوقف ساخته است. حزب کمونیست یونان، اما، هر چند سهم رای خود را اندکی افزایش داد، از دیگر بازندگان این انتخابات بود. اپورتونیزم "ذاتی" این حزب باعث شد بخاطر وعده‌هایی که ائتلاف حاکم پاسوک و دموکراسی نو مبنی بر امکان شرکت آن در ائتلاف بعدی داده بودند، کارزار انتخاباتی کم و بیش محافظه کارانه‌ای در ضدیت با جنبش چپ و سیریزا اتخاذ کند که اکنون هرگونه شانس ائتلاف با آن را از میان برده است.

به چند مساله دیگر نیز باید اشاره کرد که بسیاری از مفسرین نادیده گرفته اند. البته، هنوز بررسی های آماری دقیق تر نتایج انتخابات در دست نیست و شاید مدتی بعد که این نتایج روشن تر شوند بهتر بتوان در باره آن قضاوت کرد، اما چند نکته، با همین اطلاعات اولیه، قابل توجه است: اول میزان بالای غیبت است. در واقع بیش از تعدادی که به سیریزا رای دادند در انتخابات شرکت نکردند (نزدیک به ۳۸٪). یعنی در شرایطی که یکی از شدیدترین بحران های انسانی یونان را فراگرفته است تعداد کسانی که اعتمادی به دستگاه انتخاباتی و حکومتی ندارند، افزایش یافته است. دوم اینکه افزایش رای سیریزا در میان مزد بگیران مراکز شهری و مناطق کارگری-صنعتی بسیار کمتر و در مناطق روستایی و یا شهر های کوچکتر بسیار بیشتر از تخمین های قبلی بود. یعنی، ائتلاف انتخاباتی سیریزا، هرچند بسیار رادیکال تر از پاسوک، اما هنوز نتوانسته است در طبقه کارگر نفوذ تعیین کننده ای بدست آورد. حزب کمونیست (بسیار دست راستی) یونان هنوز بیشتر از سیریزا در این بخش نفوذ دارد. نکته سوم اینکه رای جریانات کوچکتر چپ رادیکال نیز در این انتخابات بالا رفت. مثلا، "ائتلاف ضد سرمایه داری"، "موسوم به "انتارسیا"، رای خود را دو برابر کرد. این جریان بی شباهت به ائتلاف "ضد سرمایه داری" در فرانسه نیست.

پیروزی عمومی چپ در انتخابات "امید در راه است" (شعار انتخاباتی سیریزا)، یعنی موجی از انتظارات مردم بر علیه سیاست های ریاضت اقتصادی نقدا برانگیخته شده است که می تواند به اعتلای مبارزه طبقاتی در دوران بعدی کمک کند. چنانچه چپ اجازه ندهد سیاستمداران جناح راست سیریزا مردم را مجدداً به خانه ها برگردانند، برش فعلی از نفوذ احزاب سنتی سوسیال دموکراتیک و استالینیست امکان خواهد داد اشکال جدید تر و ابعاد موثرتری از مبارزات توده ای شکل بگیرند و این به نوبه خود شرایط را برای رشد گرایش سوسیالیسم انقلابی فراهم تر خواهد ساخت.

از طرف دیگر پیروزی نیرویی "رادیکال" و "ضد دولتی" در مقابل احزاب رسمی محافظه کار و سوسیال دموکرات در یونان باعث خواهد شد که در بسیاری از کشورهای مشابه در اروپا نیز نیروهای خواهان بدیل های رادیکال تر تقویت شوند. بخصوص در اسپانیا، به ناگهان جهش بزرگی در میزان محبوبیت پودموس که سیاست های رادیکالی در ضدیت با ریاضت اقتصادی (مشابه سیریزا) دنبال می کند، صورت گرفته است.

گرایش های مثبت بالا البته می توانند به ضد خود نیز تبدیل شوند. اگر قدرت حاکم خود نیز مانند کابینه پیشین راه های "امید" را ببندد، مردم را از صحنه سیاسی به بیرون براند و بدیل مبارزاتی دیگری نیز در مقابل آن شکل نگیرد، شکست و فساد سیریزا بخاطر فشار های درونی و خارجی برای تضعیف آن و به سازش کشاندن آن، این پروژه "رادیکال" را به یادگاری از آخرین نفس رفرمیسم در حال احتضار اروپایی تبدیل خواهد کرد.

ع.ف. - وال استریت ژورنال (به نقل از روزنامه آلترا تیبو سوسیالیستی - استرالیا) آلکسی سپیراس را «هوگو چاوز بالکان» نامیده است و به نقل از برخی منابع بانک آمریکا-مریلینچ برنامه اقتصادی سریرا را تراژدی یونانی وصف کرده است، در واقع کارزار رسانه‌ای سنگینی وجود دارد برای هشدار و تحذیر در مورد عواقب خطرناک اجرا شدن برنامه‌های سریرا. با این حال از همین روزهای ابتدایی براساس برخی اظهار نظرهای رهبران حزب پیروز نوعی انعطاف و نرمش قابل مشاهده است. سپیراس در صحبت‌های اخیر هدفش را باقی ماندن در واحد پولی یورو اعلام کرده و از تهدیداتش نسبت به عدم پایداری به بازپرداخت وام‌های یونان کاسته است. در همین زمینه می‌توان به خاطر آورد که پاپاندره نو سال ۲۰۰۹ که مخالف کاهش دستمزدها و خدمات تامین اجتماعی بود چگونه در سال ۲۰۱۰ کاملاً عکس وعده‌های پیشینش عمل کرد. براساس این گفته‌ها آیا باز می‌توان شاهد تکرار این واقعیت بود که احزاب مختلف از همه طیف‌های بورژوازی و خرده بورژوازی (حتی از نوع چپ‌های رادیکالی همچون سریرا) که در قالب سازوکار انتخابات پارلمانی و در چهارچوب دموکراسی بورژوازی به قدرت می‌رسند (علی‌رغم مخالف خوانی‌هایشان) باز اجرا کننده سیاست‌های سرمایه‌ی گلوبال تحمیل شده توسط نهادهای بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول می‌شوند؟ بعلاوه، اگرچه این امر برای ایجاد اکثریتی پارلمانی روی داده است، اما ائتلاف سریرا با حزب راستی یونانی‌های مستقل برای تشکیل کابینه چه دلالت‌ها و معانی دیگری می‌تواند در خود به همراه داشته باشد؟

ت.ث. - سریرا برخلاف نام آن از نیروهای چندان رادیکالی متشکل نشده است. این ائتلاف که شاید بیش از ۱۳ نیرو و سازمان را در بر می‌گیرد، عمدتاً از سه بخش تشکیل شده است. رفرمیست‌های سوسیال دموکرات (انشعاب از پاسوک)، استالینیست‌ها (انشعاب از حزب کمونیست طرفدار شوروی سابق) و یورو کمونیست‌های سابق متشکل در ائتلاف "سینازپیسوس" نیروی عمده سریرا (بیش از ۸۰٪ اعضا) را تشکیل می‌دهند. اکثریت عظیم رهبران سریرا در طول انتخابات و اعضای کابینه جدید آلکسیس سپیراس از نمایندگان جناح راست سینازپیسوس هستند. بخش دوم این ائتلاف اکولوژیست‌ها هستند: "احیای چپ اکولوژیست کمونیستی". رهبران این جریان اما خود عمدتاً از یورو کمونیست‌های سابق اند. و در بخش سوم بسیار کوچک تر سریرا (کمتر از ۵٪)، یعنی بخش به اصطلاح رادیکال این ائتلاف "چپ رادیکال"، چند جریان کوچک شبه مائویستی و تروتسکیستی قرار دارند که بزرگترین شان "چپ کارگری انترناسیونالیست" است که خود متشکل از انشعابی راست از حزب "کارگران سوسیالیست" یونان بود که در جریان جنبش ضد جهانی سازی ("فوروم‌های اجتماعی") دهه ۸۰ و ۹۰ رشد کرد.

سریرا برای تشکیل حکومت بر خلاف منشور خودش که حتی ائتلاف با نیروهای سنتریست را رد می‌کند، همان طور که گفتید با حزب دست راستی "یونانی‌های مستقل"، انل، (۴,۷٪) وارد ائتلاف شده است. این ائتلاف نقدا مخالفت‌های گسترده بسیاری از اعضا و طرفداران خود سریرا را برانگیخته است. جناح راست این انتخاب را دلیل "زیرکی" سریرا برای حفظ حمایت ارتش اعلام کرده است. اما، اهدای پست وزارت دفاع در کابینه جدید به این حزب حکایت از آن دارد که سریرای در قدرت، جلب رضایت نیروهای

نظامی و پلیسی دولت بورژوا را به حفظ طرفداران "سوسیالیست" خود ترجیح می دهد. و از آن مهمتر، ائتلاف با این حزب ارتدکس مسیحی و ناسیونالیست افراطی در واقع از همین ابتدا روشن ساخته است که سیریزا قصد وفادار ماندن به وعده های انتخاباتی خود در باره جدا کردن مذهب از دولت را ندارد.

ع.ف. - آلكسى سپراس در جمع هوادارانش بعد از اعلام نتايج اعلام کرده است که رای دهندگان یونانی مجوزی در اختیار حزبش گذاشته اند تا بتواند به وعده های عمل کند. وعده هایی مبنی بر لغو برنامه های ریاضتی و جایگزینی آن با یک برنامه توسعه در جهت بازسازی تولید، پرداختن فوری به مسائل بیکاری و برقراری دستمزدهای عادلانه برای طبقه کارگر و حمایت از کار و کلیه حقوق دمکراتیک که در این سالها لغو شده است و نیز مذاکره برای نپرداختن بخشی از وام های دریافتی چند سال اخیر. چه موانع و امکاناتی در راه تحقق یا عدم تحقق این خواسته ها وجود دارد؟

ت.ث. - از همان زمانی که بحران مالی بین المللی ۲۰۰۸ در اروپا به صورت بحران بدهی های دولتی آشکار شد، امکان اینکه برخی از کشورهای ضعیف تر اروپا نتوانند به تمام یا بخشی از تعهدات مالی خود عمل کنند نیز وجود داشته است. این امکان بخصوص برای کشورهای نظیر یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا و تا اندازه ای ایتالیا، به واقعیت بسیار نزدیک تراست. وامی که ترویکا (اتحادیه اروپا، بانک مرکزی اروپا، و صندوق بین المللی پول) در سال ۲۰۱۰ به یونان داد (۱۱۰ میلیارد یورو، بعلاوه، ۱۳۰ میلیارد یورو یک سال بعد) در واقع برای جلوگیری از این احتمال بود. نزدیک به ۸۵٪ این وام صرف پرداخت بهره بدهی های یونان شده است. در صورتی که نه تنها مقدار کل وام های یونان بیشتر شده بلکه نسبت آن به درآمد ملی نیز نزدیک به ۵۰٪ افزایش یافته است. بعبارت ساده تر، در مقایسه با آغاز بحران در ۲۰۰۹، امروزه یونان هم بیشتر بدهکار است و هم توانایی کمتری برای پرداخت آن دارد. این کشور فقر زده باید در سال جاری نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار فقط بابت بهره این وام ها پرداخت کند. و این در حالی که تخمین زده می شود در طول همین مدت بانک های طلبکار بیش از دو برابر حد متوسط اروپایی از یونان بهره کشیده اند.

اما شرایطی که به همراه این وام ها بر یونان تحمیل شد - "ریاضت اقتصادی" - همان طور که در ابتدا نیز ذکر کردید، نتایج مصیبت باری برای مردم یونان دنبال آورده است. حزب محافظه کار، با همدستی سوسیال دموکراسی، به بهانه "اصلاحات ساختاری" و "بازسازی اقتصادی" برای کاهش بدهی های یونان سیاست های اقتصادی نولیبرالی گسترده ای را بر یونان تحمیل کرده است. سیاستی که بویژه صندوق جهانی پول به نمایندگی از طرف بانک های آمریکایی در این ترویکا تحمیل می کند. کاهش مخارج دولتی (و در نتیجه کاهش بودجه های بهداشت، آموزش و پرورش و بیمه های اجتماعی) و خصوصی سازی گسترده ای که در این چند ساله دنبال شده، جامعه یونان را به ورطه سقوط کشانیده است. نزدیک به یک

سوم نیروی فعال بیکار است (در بین جوانان دو سوم) و سطح زندگی بیش از یک سوم از مردم به زیر خط فقر سقوط کرده است.

و راه حل های حکومت جدید محدودند. وعده کلیدی انتخاباتی سیریزا کنار گذاشتن شرایط تحمیلی ترویکا و مذاکره مستقیم با مقامات اروپایی و بانک های وام دهنده برای کاهش حجم بدهی ها و تغییر روش پرداخت بهره آن بود. "رادیکال" ترین برنامه وزیر اقتصاد رادیکال جدید اما این است که پرداخت بهره ها باید به میزان رشد اقتصادی و قابلیت پرداخت آن مرتبط شود. مقامات مالی و سیاسی اروپایی رسماً اعلام کرده اند که نه جایی برای مذاکره مجدد در باره مقدار بدهی هست و نه نرخ بهره یا شکل پرداخت آن. و چنانچه یونان به وعده های خود عمل نکند نه تنها جریمه های مالی بیشتری را متحمل خواهد شد که هرگونه اقدام یک جانبه در کاهش تعهدات اش اعتبار مالی یونان را در نظام مالی جهانی از بین خواهد برد. بالا رفتن مخارج بازپرداخت وام ها، فرار سرمایه از یونان و عاقبت اخراج یونان از حوزه یورو از جمله تهدیدات مستیقی هستند که مقامات اروپایی تا کنون بکار برده اند. در برلن، ولفگنگ شوبل، وزیر مالی آلمان در پاسخ به تقاضای مذاکرات مجدد گفت: "ما در این باره بحثی نداریم، و بعلاوه، مارا سخت بتوان تهدید کرد".

ترس آلمان و مقامات مالی بین المللی از تبدیل بحران بدهی های دولتی اروپا به بحران سقوط یورو امروزه کمتر است تا ۵ سال پیش. تحلیل فعلی اقتصاد دانان ترویکا این است که حتی اگر یونان بطور یک جانبه به تعهدات مالی خود ادامه ندهد، نه بحران به کشورهای دیگر سرایت خواهد کرد و نه باعث فشار غیر قابل تحمل بازارهای بورس بین المللی بر یورو خواهد شد. به همین دلیل، فعلاً سران اروپایی از موضع قدرت حرف می زنند.

اما، در شرایطی که کابینه جدید اعلام کرده است که یونان نه خواهان خارج رفتن از یورو است و نه قصد عدم پرداخت بدهی های خود را دارد، راه های مقابله زیادی برای مقابله با این تهدیدات برای خود باقی نگذاشته است. سیریزا برای وفاداری به تعهدات انتخاباتی خود منابع دیگری جز افزایش مالیات ها و کاهش مخارج بازپرداخت بدهی ها ندارد. پایان دادن به سیاست های ریاضتی یعنی "برنامه اشتغال برای ۳۰۰ هزار شغل جدید"، "برق رایگان برای ۳۰۰ هزار خانواده زیر خط فقر"، "یارانه غذایی برای خانواده های بی درآمد"، "بهداشت مجانی برای کسانی که تحت پوشش بیمه نیستند"، "افزایش حداقل دستمزدها"، "تضمین مسکن"... و بسیاری وعده های دیگر که در انتخابات داده شد. اقتصاد دانان تخمین زده اند که افزایش مالیات ها به تنهایی حتی یک پنجم مخارج برنامه اقتصادی سیریزا را تامین نخواهد کرد. مضافاً به اینکه سیریزا در باره همین مقدار افزایش مالیاتی نیز خوش بینانه برخورد کرده است و نخواهد توانست به سرعت لازم به افزایش قابل ملاحظه ای در درآمدهای مالیاتی دولت دسترسی داشته باشد.

بنابراین در همین ابتدای کار تمام مسیر بعدی روشن است. اگر حکومت یونان از پرداخت بدهی‌ها خودداری کند، با فرار شدید سرمایه، اخراج از حوزه یورو و سقوط اقتصادی بیشتر مواجه خواهد شد و اگر نکند، هیچ یک از وعده‌های انتخاباتی را نخواهد توانست تحقق دهد. اقدامات اولیه کابینه جدید هم اکنون راه حل دوم را قوی‌تر کرده است. اگر سیریزا قصد داشت بطور یک جانبه بدهی‌های یونان را کاهش دهد باید از همان روز اول دست به اقداماتی می‌زد که از احتمالات بسیار روشن و ممکن بالا جلوگیری کند، اما در هیچ یک از سخنان رهبران حکومت جدید و یا در اعمال شان اثری از این که حتی به فکر ضرورت چنین آمادگی باشند، دیده نمی‌شود.

ع.ف. - اما آیا کشوری مثل یونان می‌تواند بدهی‌های خود را پردازد؟

ت.ث. - تصور رایج البته این است که نمی‌تواند. چرا که عملاً دیگر قادر به گرفتن وام از بازار مالی نخواهید بود. اما مساله به این سادگی نیز نیست. اولاً در تاریخ معاصر دو نمونه داشته‌ایم که کشوری عیناً همین کار را انجام داده باشد. روسیه در ۱۹۹۸ و آرژانتین در ۲۰۰۰. هر دو هم تحت همین تهدیدات و تحریمات قرار گرفتند که امروزه علیه یونان بکار گرفته شده. هر دو هم علیرغم این تهدیدات کار خود را کردند و امروزه حتی همان تهدیدکنندگان قبول دارند که از لحاظ اقتصادی (حتی با همان منطق سرمایه داری) کار درستی کردند. در هر حال هر دو زنده ماندند!

هر چند سیستم مالی جهانی پافشاری بر اصول اعتباری خود را جدی می‌گیرد و تا به تباهی کشاندن خاکی نیز جلو خواهد رفت، اما عاقبت جز ندادن وام نیز زور بیشتری ندارد. اما اگر کشور بدهکار پولی را که بابت بهره به اینان می‌پردازد، بصورت مولد در بازسازی اقتصادی خود به کار گیرد. با تقویت اقتصادی و افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، همان سیستم مالی جهانی خود برای دادن وام بیشتر دوان دوان دنبال آن کشور خواهد رفت.

بنابراین مساله راه حل‌های پیشروی سیریزا ناروشن و گنگ نیست. یا باید حمله به این سیستم بحران زای مالی جهانی را آغاز کرد یا تسلیم آن شد. اگر سیریزا قصد جنگ داشت باید بلافاصله جلوی امکانات سیستم مالی داخلی (بانک‌ها و الیگارش‌ها) برای سابوتاژ اقتصادی را می‌گرفتند و از آن جا که طلبکاران اروپایی و آمریکایی مذاکرات جدید را نمی‌پذیرند بطور یک جانبه از پرداخت وام‌ها خودداری می‌کردند. سپس با یک برنامه گسترده رشد اقتصادی تمام منابع موجود را در راه بازسازی اقتصادی بسیج می‌کردند. هر برنامه‌ای کمتر از این یعنی تسلیم به وضعیت موجود و شکست.

ع.ف. - قطعاً نیروی اجتماعی عظیمی خواهان ایجاد دگرگونی عمیق در یونان است، همچنین می‌توان ادعا کرد مبارزات کارگری و اعتراضات و اعتصابات مختلف پشتیبان و فراهم کننده انرژی لازم برای پیروزی سیریزا بوده است. حال در صورت شکست و عدم اجرای وعده‌های داده شده چه نتایج و پیامدهای سیاسی قابل تصورات و وظایف نیروهای چپ در جلوگیری از این احتمال چیست؟

ت.ث. - وظیفه عمومی البته متعهد نگه داشتن رهبری سیریزا و کابینه جدید به تعهدات انتخاباتی است، یعنی برش از قرارداد های تحمیلی نظام مالی اروپایی و بین المللی، مبارزه برای از بین بردن همه اثرات اقتصاد ریاضتی و برنامه ریزی جدی برای باز سازی اقتصاد یونان. در رابطه با این سه محور مبارزاتی باید تلاش کرد تا گشایش سیاسی دوره انتخاباتی منجر به گسترش واقعی ارگان ها و نهاد های خود سازماندهی توده ای شود. بدون چنین گسترشی سازشکاری از بالا صرفاً یاس و رخوت را افزایش خواهد داد.

از نظر وظایف مشخص تر چپ، هر چند باید بحث این مطلب نخست از جانب سوسیالیست های انقلابی یونان مطرح شود، اما براساس اخبار و نوشته های تا کنونی می توان دید به دو مساله کمتر توجه شده است که به اعتقاد من مهمترین اند.

اولی مساله ادامه نفوذ سوسیال دموکراسی و استالینیزم در طبقه کارگر یونان است. موج وسیع چپ، شکست عظیم سوسیال دموکراسی، نا توانی حزب کمونیست در تبدیل خود به آلترناتیوی در برابر پاسوک و آبرو ریزی سیاست های انتخاباتی این حزب، همگی شرایط مناسبی برای رشد جریانات سوسیالیستی انقلابی را در یونان فراهم آورده اند و در مرکز این مساله ضرورت پایان دادن به مونوپولی این دو حزب در طبقه کارگر قرار دارد.

دومی مساله جنبه بین المللی مبارزات یونان است. بزرگترین متحدین مردم یونان را جنبش های ضد سیاست های نو لیبرالی در سایر کشورها تشکیل می دهند. جلب حمایت آنان یکی از مهمترین حربه های نبرد علیه ترویکا خواهد بود. اکنون که چشم امید همه دنیا نیز به یونان دوخته شده، یونان باید مرکز بسیج نیروهای مترقی و ضد سرمایه داری در مقیاس بین المللی شود. چپ یونان باید قبل از آن که "سلبیستی" های بین المللی بتوانند مبارزات جدی، طولانی و سختی را که در مقابل ماست به تئاتر تراژی کمیک دیگری تبدیل کنند، باید از طریق برگزاری فوروم های گسترده اجتماعی و سوسیالیستی بین المللی اذهان عمومی جهانی را در پشتیبانی از مبارزات مردم یونان علیه سیاست های ریاضت اقتصادی بسیج کند.

۱ فوریه ۲۰۱۵

- از سایت سوسیالیزم انقلابی - revolutionary-socialism.com

- ایمیل: info@revolutionary-socialism.com